

جامعه باب 8

1 چه کسی داناست تا معنی هر چیز را بداند؟ حکمت لبها را خندان می‌کند و غم را از دل می‌زداید.
اطاعت از پادشاه

2 از پادشاه اطاعت کنید، زیرا در پیشگاه خدا سوگند وفاداری یاد کرده‌اید. 3 برای رفتن از حضور او شتاب مکنید و از فرمانش سر پیچی ننمایید، زیرا او هرچه بخواهد انجام خواهد داد. 4 فرمان پادشاه قدرت دارد و کسی نمی‌تواند به او بگوید: «چه می‌کنی؟» 5 کسی که از او اطاعت می‌کند در امان است و مرد عاقل می‌داند که چه زمان و چگونه اوامر او را بجا آورد. 6 زیرا برای انجام هر امری، هرچند مشکلات زیادی برای انسان داشته باشد، وقت و موقع مناسبی وجود دارد. 7 هیچ‌کس از آینده خبر ندارد و کسی هم نمی‌تواند به او بگوید که در آینده چه رخ می‌دهد. 8 کسی نمی‌داند که چه روزی مرگ او فرا می‌رسد و نمی‌تواند مرگ خود را به تعویق بیندازد و یا از اجل خود فرار کند. مرگ، جنگی است که از آن گریزی نیست و هیچ‌کسی نمی‌تواند با فریب و حيله خود را از آن برهاند.

درستکاران و گناهکاران

9 من درباره آنچه که در جهان رخ می‌دهد، فکر کردم و دیدم که چطور یک انسان بر انسان دیگر ظلم می‌کند. 10 آنگاه دیدم که مردم شریر مردند و زیر خاک رفتند، اما مردمی که پس از مراسم خاکسپاری آنها برگشتند، در همان شهری که آنها در آن ظلم می‌کردند، از آنها تعریف و تمجید نمودند. این هم یک کار پوچ و بیهوده است.

11 چون گناهکاران فوراً مجازات نمی‌شوند، مردم فکر می‌کنند که می‌توانند گناه کنند. 12 گرچه ممکن است یک گناهکار صد بار گناه کند و باز هم زنده بماند، اما در واقع کسانی سعادت مند خواهند بود که از خدا می‌ترسند و به او احترام می‌گذارند. 13 کسی که گناه می‌کند روی سعادت را نخواهد دید. عمر او مانند سایه زودگذر و کوتاه است، چون از خدا نمی‌ترسد. 14 بیهودگی دیگری را هم در دنیا دیدم: گاهی اوقات مجازات گناهکاران به مردم درستکار و پاداش درستکاران به مردم بدکار می‌رسد. این نیز بیهوده است.

15 پس شادمانی را ستودم چون برای انسان در دنیا چیزی بهتر از این نیست که بخورد و بنوشد و لذت ببرد تا در میان زحمات این زندگی که خدا در دنیا به او داده است لذت ببرد.

16 در زندگی خود شب و روز سعی و تلاش کردم تا هر چیزی را که در دنیا رخ می‌دهد بدانم و حکمت بیاموزم. 17 اما تلاش من به جایی نرسید و دانستم که انسان نمی‌تواند کارهای خدا را درک کند و هر قدر زیادتر بکوشد، باز هم از درک کارهای او عاجز می‌ماند. حکیمان ادعا می‌کنند که همه چیز را می‌دانند، ولی فکر آنها بیهوده است.